



انسان های اولیه یا نسناس

حقیقتی اثبات شده وجود دارد که هزاران سال پیش از حضرت آدم علیه السلام، موجوداتی شبیه به انسان میزیستند که امروزه به آنها انسان های اولیه یا نئاندرتال میگویند.

جدا از آثاری که دانشمندان امروزی از وجود این موجودات یافته اند، قرآن و ائمه ما علیهم السلام در احادیث مختلفی به وجود این شبه انسان ها خبر داده بودند.

در قرآن کریم میخوانیم: **وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ.**

یعنی: و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی خواهم گماشت، [فرشتگان] گفتند آیا در آن کسی را می گماری که در آن فساد انگیزد و خونها بریزد و حال آنکه ما با ستایش تو [تو را] تنزیه می کنیم و به تقدیست می پردازیم فرمود من چیزی می دانم که شما نمیدانید.

در شرح این آیه امام باقر علیه السلام از امیر المؤمنین علیه السلام روایت میکنند: **إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمَّا أَحَبَّ أَنْ يَخْلُقَ خَلْقًا بِيَدِهِ وَ ذَلِكَ بَعْدَ مَا مَضَى مِنَ الْجَنِّ وَ النَّسْنَسِ فِي الْأَرْضِ سَبْعَةَ آلَافِ سَنَةٍ قَالَ وَ لَمَّا كَانَ مِنْ شَأْنِ اللَّهِ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ عَ لِلَّذِي أَرَادَ مِنَ التَّدْبِيرِ وَ التَّقْدِيرِ لِمَا هُوَ مُكُونُهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ عِلْمِهِ لِمَا أَرَادَ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ كَشَطِّ عَنْ أَطْبَاقِ السَّمَاوَاتِ ثُمَّ قَالَ لِلْمَلَائِكَةِ انظُرُوا**

إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ خَلْقِي مِنَ الْجِنِّ وَالنَّسْنَسِ فَلَمَّا رَأَوْا مَا يَعْمَلُونَ فِيهَا مِنَ الْمَعَاصِي وَ سَفْكَ الدِّمَاءِ
 وَالْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ عَظَمَ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ وَ غَضِبُوا لِلَّهِ وَ أَسْفُوا عَلَى الْأَرْضِ وَ لَمْ يَمْلِكُوا
 غَضَبَهُمْ أَنْ قَالُوا يَا رَبَّ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْقَادِرُ الْجَبَّارُ الْقَاهِرُ الْعَظِيمُ الشَّانُ وَ هَذَا خَلْقُكَ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ
 فِي أَرْضِكَ يَتَقَلَّبُونَ فِي قَبْضَتِكَ وَ يَعِيشُونَ بِرِزْقِكَ وَ يَسْتَمْتِعُونَ بِعَافِيَتِكَ وَ هُمْ يَعْصُونَكَ بِمِثْلِ هَذِهِ الدُّنُوبِ
 الْعَظَامِ لَا تَأْسَفُ وَ لَا تَغْضَبُ وَ لَا تَنْتَقِمَ لِنَفْسِكَ لِمَا تَسْمَعُ مِنْهُمْ وَ تَرَى وَ قَدْ عَظَمَ ذَلِكَ عَلَيْنَا وَ أَكْبَرْنَاهُ
 فِيكَ فَلَمَّا سَمِعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ قَالَ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً لِي عَلَيْهِمْ فَيَكُونُ حُجَّةً
 لِي عَلَيْهِمْ فِي أَرْضِي عَلَى خَلْقِي فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ سُبْحَانَكَ أَ تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ
 نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ وَ قَالُوا- فَاجْعَلْهُ مِنَّا فَإِنَّا لَا نَفْسُدُ فِي الْأَرْضِ وَ لَا نَسْفِكُ الدِّمَاءَ قَالَ جَلَّ
 جَلَالُهُ يَا مَلَائِكَتِي إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُخْلُقَ خَلْقًا بِيَدِي أَجْعَلُ ذُرِّيَّتَهُ أَنْبِيَاءَ مُرْسَلِينَ وَ
 عِبَادًا صَالِحِينَ وَ أُمَّةً مُهْتَدِينَ أَجْعَلُهُمْ خُلَفَائِي عَلَى خَلْقِي فِي أَرْضِي يَنْهَوْنَهُمْ عَنِ الْمَعَاصِي وَ يُنذِرُونَهُمْ
 عَذَابِي وَ يَهْدُونَهُمْ إِلَى طَاعَتِي وَ يَسْلُكُونَ بِهِمْ طَرِيقَ سَبِيلِي وَ أَجْعَلُهُمْ حُجَّةً لِي عُدْرًا أَوْ نَذْرًا وَ أُبَيِّنُ
 النَّسْنَسَ مِنْ أَرْضِي فَأَطْهَرُهَا مِنْهُمْ وَ أَنْفُلُ مَرَدَّةَ الْجِنِّ الْعَصَاةَ عَنْ بَرِّيَّتِي وَ خَلْقِي وَ خَيْرَتِي وَ أُسْكِنُهُمْ
 فِي الْهَوَاءِ وَ فِي أَقْطَارِ الْأَرْضِ لَا يُجَاوِرُونَ نَسْلَ خَلْقِي وَ أَجْعَلُ بَيْنَ الْجِنِّ وَ بَيْنَ خَلْقِي حِجَابًا وَ لَا يَرَى
 نَسْلُ خَلْقِي الْجِنِّ وَ لَا يُؤَانِسُونَهُمْ وَ لَا يُخَالِطُونَهُمْ وَ لَا يُجَالِسُونَهُمْ فَمَنْ عَصَانِي مِنْ نَسْلِ خَلْقِي الَّذِينَ
 اصْطَفَيْتُهُمْ لِنَفْسِي أُسْكِنْتُهُمْ مَسَاكِنَ الْعَصَاةِ وَ أَوْرَدْتُهُمْ مَوَارِدَهُمْ وَ لَا أُبَالِي فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا أَفَعَلْ
 مَا شِئْتَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا
 مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ

در ترجمه حدیث شریف مرحوم کرمانی اع میفرماید:

اول فرمایش این کلمات به ملائکه آن وقت بود که جن و نسناس در زمین سکنا داشتند و هفت هزار سال دولت ایشان طول کشیده بود.

پس چون اقتضای حکمت شد که آدم علیه السلام خلق شود پرده از چشم ملائکه برداشت و فرمود نگاه کنید به اهل زمین که جن و نسناس باشند پس چون معاصی و فساد و خون ریزش را دیدند بر ملائکه سخت شد و غضب کردند لله و عرض کردند که خدایا تو عزیز و جبار و قهار و عظیم الشانی و اینها خلق ضعیف همه در قبضه تو و عیش می کنند به رزق تو و تمتع می برند به عافیت تو و اینگونه معاصی می کنند و تو غضب نمی کنی و انتقام نمی کنی.

چون چنین گفتند خداوند فرمود (إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً) که من قرار دهنده ام در زمین خلیفه ای که حجت باشد مرا در زمین من بر خلق من در این وقت ملائکه گفتند که (أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ) آیا قرار می دهی در زمین کسی را که فساد کند چنانکه اولاد جان فساد کردند و خون بریزند چنانکه اولاد جان ریختند و بر یکدیگر حسد برند و با یکدیگر بغض ورزند خلیفه را از ما قرار ده که ما حسد نداریم و بغض نداریم و خون نمی ریزیم و تسبیح می کنیم به ثنای تو و تقدیس می کنیم تو را.

پس خداوند فرمود که من می دانم آنچه را که شما نمی دانید من می خواهم خلقی به دست خود خلق کنم و از نریه او قرار دهم پیغمبران و مرسلین و عباد صالحین و ائمه مهتدین و ایشان را خلیفه های خود

کنم در زمین خودم که مردم را نهی کنند از معصیت من و انذار کنند ایشان را از عذاب من و هدایت کنند ایشان را به سوی طاعت من و ببرند ایشان را به راه من و ایشان را حجت بر ایشان کنم و نسناس را از زمین براندازم و عاصیان جن را در هوا سکنا دهم که مجاور نسل خلق من نشوند و جن را از دیده ایشان پنهان کنم تا با آنها ننشینند و آمیزش نکنند و هرکس از نسل خلق من عصیان کند آنها را هم وارد کنم مورد همان جنیان و باک ندارم.

پس عرض کردند که بکن آنچه را که می‌خواهی، (لاعلم لنا الا ما علمتنا انک انت العليم الحکیم). ما نمیدانیم جز آنچه را که بما تعلیم فرموده‌ای، و توئی دانا و حکیم.

(خدای تعالی باز در جواب ملائکه فرمود: اِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ فَاِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوْحِي فَقَعُوْا لَهٗ سَاجِدِيْنَ خَلْقٌ مِیْکُمْ بَشَرِيْ رَا از گل خشک و بدبویی، و چون او را خلق نمودم و روح در او دمیدم باید بر او سجده کنید.)

و آنچه عرض شد خلاصه حدیث حضرت امیر علیه السلام بود و مطلب آن بود که این فرمایش از خدا و عرض از ملائکه قبل از خلق حضرت آدم بود

همچنین امام باقر علیه السلام می‌فرماید: لَقَدْ خَلَقَ اللّٰهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْاَرْضِ مُنْذُ خَلَقَهَا سَبْعَةَ عَالَمِيْنَ لَيْسَ هُمْ وُلْدَ اٰدَمَ خَلَقَهُمْ مِنْ اٰدِمِ الْاَرْضِ فَاَسْكَنَهُمْ فِيْهَا وَاَحِدًا وَاَحِدًا مَعَ عَالَمِهٖ ثُمَّ خَلَقَ اللّٰهُ عَزَّ وَ جَلَّ اٰدَمَ اَبَا هٰذَا الْبَشَرِ وَ خَلَقَ ذُرِّيَّتَهٗ مِنْهٗ

یعنی: خداوند از وقتی که زمین را آفرید، در آن هفت دوره جهانیان را آفرید که هیچ کدام از آنها از فرزندان آدم نبودند، خداوند آنها را از روی زمین آفرید و آنها را یکی پس از دیگری با عالمی که داشتند در زمین سکونت داد، آنگاه خداوند آدم پدر بشر را آفرید و فرزندان او را از او آفرید.

از مجموع آیات و روایات فوق، در میابیم که مخلوقات شبیه به انسان بر روی زمین زندگی میکردند که به فساد و خونریزی مشغول بوده و بیشتر آنها نابود شدند.

این موجودات که از حیوان تکامل یافته‌تر و از انسان ناقص‌تر بوده، خود به دو گروه تقسیم میشوند. گروهی به حیوان نزدیک‌تر بودند که از ایشان به نسناس یا جان نام برده میشود و گروهی رتبه بالاتری داشته و جن نام دارند.

هر دو گروه هزاران سال پیش از آدم علیه السلام دارای جسم عرضی شبیه به انسان بوده و در کنار حیوانات و سایر موجودات روی زمین زندگی میکردند. گروه اول به حکمت خداوند و به علت ظلم و فساد بسیار نابود میشوند، اما گروه دوم به عالم هورقلیا منتقل شده و تا حدود زیادی ارتباطشان با انسانی که تازه از همانجا آمده بود قطع گردید.

لازم به ذکر است که این موجودات نیز ربطی به پیشینه انسان نداشتند، گر چه شباهت بسیاری به انسان داشته و انسان نسخه تکامل یافته آنها بود. انشاء الله در مطلبی جداگانه به کیفیت خلقت آدم ابوالبشر می‌پردازیم.